

#### ماجرای عشق و عاشقی میدون

#### چیزهایی که در تلویزیون می بینیم

● **پوریا عالمی:** ما تا دیروز فکر می‌کردیم صداوسیما با مردم دشمنی دارد و دولت روحانی مردم را دوست دارد تا اینکه متوجه شدیم تلویزیون دیشب خواننده‌های سابق (البته تقلبی و ساخت چین) را پخش کرده است. بابای سوفیا می‌گوید: والا ما انقلاب کردیم این چیزها را توی تلویزیون نبینیم. الان که این چیزها را تـوی تلویزیون می‌بینیم، یعنی چی؟ یک خواننده نیز گفت: ما توی لس‌آنجلس نگران هستیم تلویزیون ایران که اینها را بهتر از خود ما کریم کرده و ساخته، آنها را صادر کند خارج از کشور و برایشان کنسرت هم بگذارد. اصلا بعید نیست. یکی دیگر گفت: امیدوارم تلویزیون ایران توجه کند که من تنها خواننده زمان شاه بودم که ریش داشتم و اسم ریشم هم معروف بود. امیدوارم در قسمت بعدی سریال به این موضوع توجه کنند. سهیل نفیسی، رضا یزدانی و علیرضا عصار گفتند: یعنی اگر ما هم برویم خارج، تلویزیون پخش‌مان می‌کند؟ سلین دیون که خاوری با خوردن سه هزار میلیارد در ایران رفته کانادا و بغل او، همسایش‌اش شده گفت: حالا که اینها رو تلویزیون ایران پخش کرده، من و خاوری هم می‌تونیم پیاییم ایران؟ بابای سوفیا به سوفیا گفت: پس تو برو آتن ماهواره بخر چون تکلیفش روشن است. آتن تلویزیون را کامل قطع کن چون معلوم نیست فردا چه چیزی نشان بدهد.

**وصیت:** دیشب همسایه‌ها زنگ زدند و پلیس آمد گفت پارتی گرفتید و دارید با صدای بلند، خواننده قبل از انقلاب پخش می‌کنید؟ لابد سیگار هم می‌کشید! من برای ایشان توضیح دادم که داشتیم سریال معمای شاه را نگاه می‌کردیم و به خدا راضی به زحمت شما نبودیم.

#### پیشنهاد

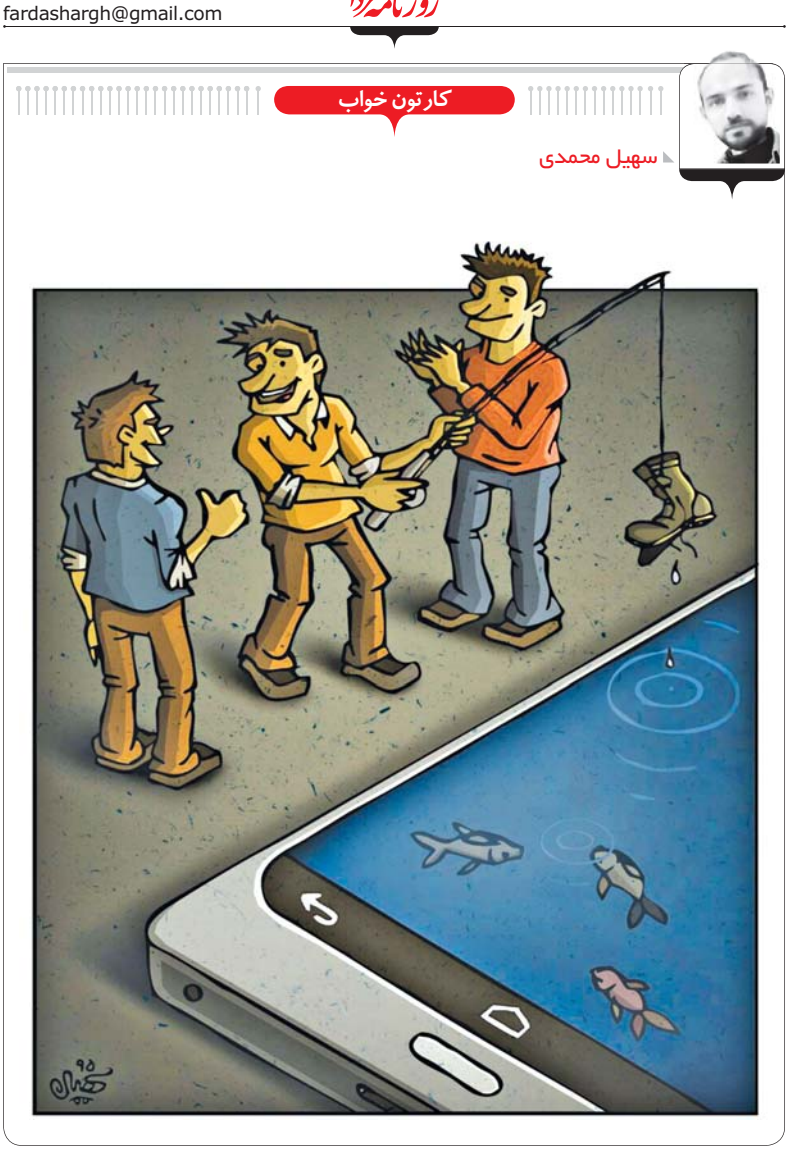
● در سیصدوهفتادوچهارمین جلسه ماهانه عصب‌پژوهی اجتماعی که در ساعت هشت‌ونیم صبح پنجشنبه سی‌ام دی در سالن بیمارستان ایرانمهر برگزار می‌شود، بحث درباره اهمیت هنر نقاشی در گسترش آگاهی انسان، پی گرفته می‌شود. در این جلسه، «بهرام دبیری»، «جواد مجابی» و «لیلی گلستان» درباره «تن آدمی، پیوندگاه هنر نقاشی و پزشکی» سخن خواهند گفت. دبیر این جلسات دکتر «عبدالرحمن نجل‌رحیم» است که قصد دارد به وجود پیوند ضمنی بین نقاشان و پزشکان و کار نقاشان و به خلق آثار و به کندوکاو رابطه دست و ذهن، اشاره کند.

# شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۵ • ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۱۸ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۸۰ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۷:۳۷ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

### روزنفرها



شاید روزگاران خوشی را پشت سر گذاشته‌ایم، زمانی که سخنان روزنامه‌نگاران مورد توجه بود، تیراز روزنامه‌ها بالا بود و دانشجویان در دانشگاه‌ها به نظرات استادان توجه می‌کردند. معلم‌ها می‌توانستند سرنوشت و رویکرد دانش‌آموزان خود را تعیین کنند. گروه‌های سیاسی مرجع نظر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گرفتند. با این شرایط این سؤال مطرح است که در مسائل و موضوعات مهم سیاسی نظر چه فرد یا گروهی برای مردم مهم‌تر است؟، در آخرین پیمایشی که در سال ۹۴ انجام شده است، ۳۸.۲ درصد افراد پاسخ داده‌اند نظر خانواده برایشان مهم است. ۱۴.۹ درصد به نظر مسئولان، ۱۲.۷ درصد به نظر علما و روحانیون و ۱۱ درصد به نظر مراجع تقلید مراجعه می‌کنند. گروه‌های سیاسی می‌توانند مرجع تنها هفت درصد مردم برای پاسخ‌های سیاسی و اجتماعی باشند؛ اما در کمال ناباوری و شاید افسوس فراوان ۶.۷ درصد به نظر استادان دانشگاه، تنها ۱.۳ درصد به نظر معلمان و با تاسف بیشتر ۱.۴ به نظر روزنامه‌نگاران استناد می‌کنند. به سراغ «عباس عبدی»، فعال سیاسی و تحلیلگر، رفته‌ایم تا نظرش را درباره ازدست‌رفتن و تغییر جایگاه گروه‌های مرجع به صورت مختصر

بدانیم:

#### ❧ به نظر شما مردم در این

روزها بیشتر به رای و نظرات چه

کسانی مراجعه می‌کنند؟

برای اظهارنظر دقیق حتما باید مطالعات میدانی و پیمایشی معتبر در دسترس باشد؛ ولی فارغ از این نکته احساس می‌کنم که توسعه فضای مجازی و کاهش مشارکت متشکل گروه‌های مرجع، کارایی آنها را کم کرده است و در نتیجه افراد ترجیح می‌دهند تا درون خانواده و دوستان نزدیک به نتیجه‌گیری در امور مهم بپردازند.

#### سلام به فردا

## عبدی: هیچ گروهی مرجعیت ذاتی برای همیشه ندارد

#### گیسو فغفوری

به یک تعبیر بله. خانواده تنها نهادی است که هنوز در ایران کارکردهای خاص خود را دارد و حتی کارکردهای نهادهای دیگر را هم عهده‌دار شده است و باری اضافه را تحمل می‌کند؛ ولی از یک منظر چنین نتایجی جالب نیست؛ زیرا این کارکرد را باید دیگر نهادها به‌ویژه رسانه‌ها عهده‌دار شوند که متأسفانه نسبت به آنها اعتمادی وجود ندارد. چنین کارکردی در خانواده منجر به نوعی پس‌رفت در توسعه اجتماعی خواهد شد و دیدگاه‌های خاص‌گرایانه را تقویت و نگرش عام‌گرایانه را تضعیف خواهد کرد.

❧ **پیش‌ازاین شاید در زمان روی‌آآمدن دولت اصلاحات روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها به‌عنوان مرجع شناخته می‌شدند؛ اما اکنون این جایگاه ازدست‌رفته به نظر می‌رسد. شما دلایل این ماجرا را چه می‌دانید؟**

بخشی از آن را گفتم. به دلیل کاهش حضور اجتماعی آنان است؛ ولی ضعف رسانه‌های مستقل و عوارض ناشی از قاطعی‌شدن دوغ و دوشاب در این رسانه‌ها گریبان همه را گرفته است. دود چنین ضعیفی در نهایت به چشم جامعه خواهد رفت.

#### ❧ فکر می‌کنید چرا معلمان و استادان دانشگاه

نیز چندان محل ارجاع نیستند؟ این اتفاق برای نوجوانان و جوانان در بزرگه‌های سیاسی و اجتماعی و پیداکردن الگو می‌تواند سبب مشکل و به‌نوعی ناهنجاری انتخاب شود؟ فکر می‌کنید وقتی که تقلب در پایان‌نامه و نمره‌دادن و مقاله‌نوشتن، سکه رایج شود و مدرک جانشین علم شود، چرا مردم باید به چنین جمعی اعتماد کنند؟ سیل که بیاید، محسن و مُسی را با هم می‌برد. آتش نیز، تر و خشک را می‌سوزاند؛ هرچند خشک زودتر آتش می‌گیرد؛ ولی شعله‌هایش هیزم‌های تر را هم خاکستر می‌کند.

| ۲۰-۱- گروه‌های مرجع                                                                              |      |      |            |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------|------|------|------------|
| در مسائل و موضوعات مهم سیاسی نظر چه فرد یا گروهی برای شما مهم‌تر است؟                            |      |      |            |
| جدول (۲۰-۱) توزیع درصدی پاسخ در مورد مهم بودن نظر فرد یا گروه در مسائل و موضوعات مهم برای پاسخگو |      |      |            |
| فرد یا گروه                                                                                      | خیبر | طی   | پاسخ بیشتر |
| خانواده                                                                                          | ۶۱.۸ | ۲۵.۲ | ۱۳۷۷       |
| علماء و روحانیون                                                                                 | ۱۲.۷ | ۱۲.۷ | ۱۳۷۷       |
| مراجع تقلید                                                                                      | ۱.۳  | ۱۱.۰ | ۱۳۷۷       |
| استادان دانشگاه                                                                                  | ۱.۳  | ۶.۶  | ۱۳۷۷       |
| معلمان                                                                                           | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| مسئولان کشور                                                                                     | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| گروه‌های سیاسی                                                                                   | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| روزنامه‌نگاران                                                                                   | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| بزرگان و ریش‌سفیدها                                                                              | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| هنرمندان                                                                                         | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| روزشکاران                                                                                        | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| دوستان                                                                                           | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| هیچ‌کدام                                                                                         | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |
| سایر                                                                                             | ۱.۳  | ۱.۳  | ۱۳۷۷       |

#### جادو یعنی این...

## بسامد حریم شخصی!

متن یا گفت‌وگویی کدام کلمه چندبار تکرار شده. از روی همین میزان تکرار می‌شود اطلاعات زیادی درباره نگرش و علایق صاحب سخن به دست آورد؛ مثلا فرهنگ بسامدی غزلیات سعدی نشان می‌دهد که ایشان کلمه من را هزارو ۳۶۸ بار و حدودا ۱۴۰بار بیشتر از کلمه تو استفاده کرده که شاید نشان از جایگاه مهم من در دنیای عاشقانه غزلیات جناب سعدی داشته باشد.

صحبت غزلیات عاشقانه شد، یادمان آمد که در همین زبان فارسی برای بیان دوستی و محبت، ده‌ها کلمه از دیرباز تاکنون ساخته شده؛ از عاشقی و دوستی و بلاگردان‌شدن تا میریم برایت. درآوردن بسامد واژه پول در زبان معاصر را می‌گذارم به عهده شما، با حفظ حریم شخصی آدم‌ها!

#### گیتیی مفروزاده

سرنگشیدن به حریم شخصی آدم‌ها یکی از بدیهی‌ترین اصول اخلاقی است، اما باور کنید وقتی آدم‌ها داخل تاکسی یا وسط پیاده‌رو با صدای بلند مسائل شخصی‌شان را داخل گوشی موبایل فریاد می‌کشند، وارد حریمشان نشدن کار سختی است. ذهن کنجکاو آدمیزاد ناخودآگاه حرفشان را ضبط می‌کند و برای خودش تجزیه‌وتحلیل می‌کند. جدیدترین تجزیه‌وتحلیل من از شنیدن حرف‌های مردم نشان می‌دهد که بیش از نیمی از صحبت‌های



#### مشتری کافه خیابان وسط

## راست پوتین!

بنویسد. همان که در وصفش نوشته بود: «مردی با قد بلند، ریش انبوه و چشم نافذ. کسی که به ساجران می‌مانست!» در انتهای نامه هم نوشته بود: «باور نمی‌کنی این تاریخ پر از شگفتی است! پر از افسانه است! مگر می‌شود یک شارلاتان به دربار راه پیدا کند و هر کار خواست بکند؟! این یارو قدبلنده هر کار دلش می‌خواسته می‌کرد. زرد، بدبخت تزار هم عین برده از او اطاعت می‌کرده. کسی نبوده از او بپرسد تو از کجا سروکله‌ات پیدا شد؟ چطور شد سر از دربار درآوردی؟ یعنی این‌قدر هردمبیل بوده؟!»

گارسون که یواشکی از بالای سر من داشت نامه را می‌خواند، یک‌باره گفت: «غول چراغ جادو بیدار شده». با تعجب گفتم: «غول؟» با کمی رودربایستی گفتم: «همین یارو قدبلنده». پرسیدم: «مگر می‌شناسی‌اش؟» با تردید گفتم: «گمان کنم». پرسیدم: «چطور؟» اندکی این پا و آن پا کرد و گفت: «مگر این خبرها را نشنیده‌ای؟ همین که می‌گویند روسیه توانسته با حمله سائیری در انتخابات آمریکا دخالت کند؟» بلافاصله گفتم: «خُب؟» او هم بلافاصله گفت: «خُب ندارد، یعنی یکی توانسته با یک قدرت فراطبیعی از جایی در مسکو یک فرد را برخلاف نتیجه همه نظرسنجی‌ها در آن سوی دنیا به قدرت برساند! این جادو نیست؟» پرسیدم: «و آن وقت این فرد رموز چه کسی است؟» پوزخندی زد و آرام گفت: «داری دستم می‌اندازی؟» با همان حالت هاج‌وواج گفتم: «نه باور کن». همان‌طور آرام گفت: «این را که همه عالم فهمیده‌اند: راست پوتین!» خنده‌ام گرفت و گفتم: «مسخره!».



مهرداد حجتی

«به همسر تزار گفت: اگر من از اعلی‌حضرت رویگردان شوم، تخت او فرو خواهد ریخت. در من قدرتی نهفته است که با چشم برهم‌زدنی می‌توانم همه دوستان را به دشمن و همه دشمنان را به دوست بدل کنم. به تزار بگویند حضور من در این کاخ حکمتی دارد. تا دیر نشده قدرت مرا دریابد و از آن برای استحکام سلطنت بهره بجوید، شاید فردا دیر شود». این بخشی از تازه‌ترین نامه «دست‌راستی» از مسکو بود. او نوشته بود: «تازگی‌ها به تاریخ روسیه علاقه‌مند شده‌ام، به‌خصوص به دوران «تزاریسم». درحال حاضر هم مشغول خواندن کتابی درباره «رومانوف‌ها» هستم. همان بخت‌برگشته‌هایی که عمرشان چندان به دنیا نبود و با انقلاب «بلشویکی» سرنگون شدند و در تبعیدگاه به دست انقلابیون به قتل رسیدند. در این کتاب نوشته: «در زمان حکومت «رومانوف‌ها» فردی مرموز به دربار راه یافت که توانست در بسیاری از تصمیم‌های مهم تأثیر بگذارد. فردی عجیب که بعدها درباره او کتاب‌ها نوشتند و فیلم‌ها ساختند. او بر همسر تزار تسلط بسیار داشت و از او برای پیشبرد مقاصد خود بهره می‌جُست. همسر تزار بر این عقیده بود که او فردی با توانایی‌های فراطبیعی بسیار است. فردی قدرتمند که می‌تواند آینده را تغییر دهد!» «دست‌راستی» یادش رفته بود نام فرد رموز را

#### همین حوالی

#### واکنش‌ها به دستجردی

یکی از مباحثی که این روزها مطرح است، بحث حق نامزدشدن زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری است. همان نکته‌ای که سخنگوی شورای نگهبان، گفته است. همان نکته‌ای که سال‌هاست بیان می‌شود که معنی «رجل سیاسی» واضح نیست و مصداق‌های آن را می‌توان تفسیر کرد. یکی از زنانی که در این سال‌ها نامش به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری مطرح بود و البته هرسال نیز در صلاحیت می‌شد، اعظم طالقانی بود؛ اما این روزها انکار اتفاقی دیگر افتاده؛ چندی است نام «مرضیه دستجردی» به‌عنوان نامزد احتمالی اصولگرایان مطرح است. او به‌عنوان اولین وزیر زن بعد از انقلاب اسلامی در دولت احمدی‌نژاد، توانسته بود رای اعتماد را از مجلس همسو دریافت کند؛ البته نتوانست دوران وزارت خود را به پایان برساند. اما بیان این موضوع در شبکه‌های اجتماعی توانسته با بازخورهای زیادی روبه‌رو شود. بسیاری معتقدند انتخاب اولین رئیس‌جمهور زن می‌تواند قدمی در راستای بازشدن فضا برای زنان باشد اما برخی دیگر انجام این خواسته را پاسخی به نیاز جامعه و افزایش حضور اجتماعی زنان می‌دانند. ازسوی دیگر مخالفان به عملکرد نامطلوب برخی از زنان نماینده مجلس اصولگرا اشاره کرده‌اند و عده‌ای دیگر هم در مخالفت‌هایشان به ساختار مردانه سیاسی ایران اشاره می‌کنند که امکان تجربه‌کردن و موفق‌شدن را حتی برای زنان سیاست‌مدار شناخته‌شده مانند ابتکار و مولاوردی ... ناممکن می‌کند. برخی از افراد سؤال‌های جالبی را مطرح کرده‌اند: مثلا اینکه فعالان زن با چه هدفی حاضرند به صرف زن‌بودن، یک کاندیدا، او را انتخاب کنند.